



شنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۳



شماره ۴۲۸۰



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

برداشت اولیه از کابینه جدید آمریکا

نئوتراپیسم



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین الملل

دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب آمریکا با معرفی نامزد‌های حضور در رأس وزارتخانه‌های دولت، شگفتی آفرین شده است.

مت گیتس، وزیر دادگستری معرفی شده توسط او سابقه قضایی ندارد. پیِت هگستس، وزیر دفاع معرفی شده نیز تفنگ و بلندگوی مصاحبه را به یک اندازه در دست گرفته بدون آنکه سابقه فرماندهی نظامی و یا مدیریت رسانه‌ای داشته باشد.

یک معنای این انتخاب‌ها، چرخیدن نشانه قطب‌نما به سمت ترامپ است. او که پیش‌تر به دلیل فقدان سابقه اجرایی شمات می‌شد، در کابینه دوم کسانی را به کارگرفته‌ها از وضعیت سابق او پدترند. حالا آقای ترامپ ۷۸ساله از دیگر اعضای کابینه‌اش باتجربه‌تر خواهد بود!

درباره کابینه بعدی ترامپ با توجه به افرادی که تاکنون معرفی شده‌اند و همچنین گمانه‌زنی‌ها نکاتی وجود دارد که به شرح ذیل است.

۱ وزارتخانه عجیب

کابینه دوم ترامپ، وزارتخانه جدیدی به نام «بهروری دولت» دارد که از دو ویژگی برخوردار خواهد بود. اولین ویژگی این وزارتخانه جانمایی آن خارج از دولت فدرال است. این وزارتخانه خارج از کابینه، به دولت مشورت خواهد داد. دومین ویژگی آن، اداره‌اش توسط دو وزیر است که مسئولیت آن برعهده «ایلان ماسک» و «ویوک راماسوامی» خواهد بود. سومین ویژگی جالب توجه، فاقد بودجه بودنش است. احتمالاً این وزارتخانه به دلیل مشورت به دولت، مبالغی دریافت خواهد کرد؛ اما مسئولان آن همانند دیگر وزرا دارای وزارتخانه، ستاد کارکنان و تأسیسات گسترده نخواهند بود. استدلال شده این وزارتخانه به دلیل آنکه درگیر مباحثات بیهوده کابینه نشده و همچنین تحت فشار قرار نگیرد، بیرون دولت جانمایی شده است.

۲ نسل جدید غیرستی

نسل جدیدی از سیاستمداران به دولت فدرال تزریق شده‌اند که تفاوت زیادی به سیاستمداران چنددهه گذشته دارند. این تفاوت سنی نیست تا گفته شود تغییر نسلی رخ داده است، بلکه مربوط به شخصیت افراد است.

۳ پاکسازی مدعیان پدرسالاری

افرادى که در دولت اول ترامپ توسط او به خدمت گرفته شدند، افراد به اصطلاح «استخوان خردکرده» بودند که سوابق قابل توجه و طولانی مدتی در دولت داشتند. آن‌ها حتی اگر خود را برتر و باتجربه‌تر از ترامپ نمی‌دیدند، به این معنا نبود که از رفتارهایش رضایت داشته باشند. در کابینه دوم اما اکثریت این افراد کنار گذاشته شده و با کسانی جایگزین شده‌اند که رشد سیاسی خود را مدیون ترامپ و ترامپیسم می‌دانند.

۴ خالص سازی و محصول تمرکز

در آمریکا خالص سازی صورت گرفته و تمام دولت و دو رکن کنگره در دست جمهوری خواهان قرار گرفته است. این اتفاق در وضعیتی رخ داده که در دیوان عالی نیز از ۹ عضو، ۶ عضو محافظه‌کار و نزدیک به حزب جمهوری خواه‌اند . خالص سازی صورت‌گرفته در آمریکا که پخت جامعه آمریکا داشته باشد. یکی از این اثرات، خروج روند‌های سیاسی و اجتماعی از سازوکار‌های موجود و کشیده شدن به خیابان‌هاست. بر همین اساس بلافاصله با روی کارآمدن ترامپ، خیابان‌ها بار دیگر عرصه اعتراضات شده است. برخلاف راستگرایان که نوع متفاوتی از اعتراض را دنبال می‌کنند، جریان‌های نزدیک به چپ که در درون حزب دموکرات لانه کرده‌اند، اعتراضات گسترده و نسبتاً آرام را پیگیری می‌کنند تا در طولانی مدت قابل استمرار باشد. به این نکته نیز باید توجه داشت که علی رغم خالص سازی صورت‌گرفته، ترامپ درصدتضعیف‌نقش‌کنگره‌برخواهد‌آمد تاقدرت بامتمرکزتر شدن در قوه اجرایی، بیشتر در دستان خودوی قرار گیرد.

۵ یهودی ستیزان هم هستند

تیم ترامپ درهایش بر روی یهودی ستیزان بسته نیست و افراد یهودی‌ستیز نیز بافت می‌شوند. با وجود ریشه‌هایی که ایلان ماسک در یهودیت دارد، اما بارها به یهودی‌ستیزی متهم شده است. درباره مت گیتس، وزیر پیشنهادهی دادگستری نیز رابطه با افراد متهم به یهودی ستیزی گزارش شده است.

۶ تضعیف کنگره

ترامپ قصد دارد نقش کنگره را در برابر دولت تضعیف کند. یکی از این مسیر‌ها، ایجاد راهی برای انتصاب مقام‌های دولتی بدون تأیید سنا است. با تضعیف نقش کنگره نسبت به دولت، لابی رژیم صهیونیستی که قدرتش بیشتر معطوف به کنگره است، با کاهش روبه‌رو می‌شود. مسیر اثرگذاری بر اعضای کنگره بازی با کمک‌های مالی است که در قالب کمک به نامزد موفق و یا کمک به طرف مقابل نامزد مخالف صورت می‌گیرد. این اثرگذاری در رقابت‌های ریاست جمهوری و یا در دولت تضعیف می‌شود؛ زیرااتنهایک نامزد حضور دارد که به شدت مورد حمایت اعضای حزب است و از سوی دیگر برای تشکیل کابینه، او تحت فشار و محاصره سازمان‌های دولت عمیق، لابی‌های متعدد و حزب خواهد بود که اثرپذیری رئیس‌جمهور از تک‌لابی صهیونیسم را کاهش می‌دهد.

تضعیف لابی صهیونیستی در آمریکا به لحاظ ساختاری صورت می‌گیرد و لزوماً به معنای اقدام برنامه‌ریزی شده برای تضعیف این لابی نیست و از این رو به معنای ناتوان شدن صهیونیست‌ها در واشنگتن نخواهد بود؛ با این حال آن‌ها همانند گذشته نفوذ تضمین‌شده‌ای نیز نخواهند داشت.

۷ ترامیسم برای کیست؟ برای چیست؟

همان‌گونه که حزب دموکرات اقلیت‌ها را جمع‌آوری و برای سیستم آمریکا کنترل می‌کند، حزب جمهوری خواه و جریان ترامیسم نیز دیدگاه‌های جدید مخالف جنگ را جمع‌آوری کرده و کنترل می‌کند؛ این جریان اما به وضوح دست‌ساز بوده و از سوی دولت عمیق پشتیبانی می‌شود. دولت عمیق آمریکا برای جلوگیری از ایجاد مرکز قدرت جدید در این کشور یا استفاده طرف‌های مختلف از این قدرت، تلاش کرده با جریان ترامیسم بر موج ایجادشده سوار شود. این جریان اما برآمده از واقعیت اجتماعی نیست، بلکه یک سازوکار دست‌ساز کنترلی است که در ایجاد آن نهاد‌های قدرت، حتی نهاد‌های اطلاعاتی نقش داشته‌اند. بر همین اساس است که ترامپ در مواقع حساس نه بر اساس نظرات گروه‌هایی که نمایندگی می‌کند، بلکه بر خلاف آن‌ها گام بر می‌دارد.

۸ ذخیره‌سازی برای تأمین مالی پروژه‌های فناوریانه

ایلان ماسک درحال اداره پروژه‌های مبتنی بر فناوری‌های آینده در آمریکااست. هدف او تیم‌پشت سرش، کاهش هزینه‌های جاری که بیهوده تلفی می‌شوند، برای اختصاص مبالغ ذخیره شده به توسعه فناوری‌هاست.

۹ نسبت کابینه دوم و بروکرات‌ها

افراد روی کارآمده در دولت ترامپ بروکرات نیستند. آن‌ها همان‌گونه که خارج از بروکراسی رشد کرده‌اند، فکر می‌کنند بروکراسی دست و پاگیر است. آن‌ها در این باره به ذهن و تجربه خود رجوع کرده و این‌گونه نتیجه می‌گیرند که اگر قرار بود در قالب بروکراسی رشد کنند، چه می‌شد. آیا آن‌ها می‌توانستند به جایگاه کنونی خود دست یابند؟ آشکار است که موفقیت این افراد خارج از بروکراسی به دست آمده و برای آن‌ها این سیستم یک مانع بوده و مورد نفرت است. از سوی دیگر امروزه که آن‌ها به مقام دست یافته‌اند، این بروکراسی به دشمن مستقیمشان نیز تبدیل شده است. این طبقه نوظهور سیاسی مخالف ریاست بروکرات‌ها بر کشور بوده و خواهان فرمان‌پذیر کردن بروکراسی است. به عبارتی دیگر از نگاه آن‌ها بروکرات‌ها به جای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی باید مجری اوامر رؤسای جدید باشند.

۱۰ تضعیف دولت و جامعه به نفع ثروتمندان

کوچک‌سازی دولت که در کابینه دوم ترامپ به شدت دنبال خواهد شد، به معنای تضعیف دولت و جامعه در برابر ثروتمندان است. هرچند محافظه‌کاران به طور سنتی به این اقدامات گرایش داشته‌اند، اما غلظت این اتفاق باعث شده گفته شود دولت دوم ترامپ، دولت الیگارش‌هاست.

۱۱ رقابت پول‌ساز

رقابت با چین هرچند برای آمریکا ضروری شده است اما برای بسیاری از صاحبان شرکت‌ها حرکت واشنگتن در این مسیر، به معنای دریافت بوجه‌های تدارک دیده‌شده برای رقابت با این کشور است.

۱۲ گام جدی برای تضمین آینده آنگلوپروستنان‌ها

آنگلوپروستنان‌ها خود راصاحب آمریکا می‌دانند. نمی‌خواهند با ورود سیل مهاجران اکثریت راز دست‌بدهند. به همین دلیل اخراج مهاجران

و متوقف کردن جریان ورودشان، یک کارویژه مهم دولت ترامپ است. گفته می‌شود سیاست‌های اخراج تا ۳۰۰ میلیارد دلار هزینه دارد اما ترامپ می‌گوید هزینه‌ها مهم نیستند. کابینه تند ترامپ بر مبنای اجرای این طرح‌های بزرگ و قاطعانه طراحی شده است.

۱۳ کابینه ترامپ با نتائهاو هم‌نظرند یا عامل او هستند؟

افراد کابینه ترامپ بسیار تند هستند و به دلیل همین تندی با اقدامات راست‌گرایان کابینه تل‌آویو موافقت‌اما این به معنای هم‌نظری است، نه آنکه کارپرداز نتائهاو و صهیونیست‌ها باشند. حزب دموکرات به دلیل حضور پرتعداد یهودیان چپ‌گرا که متمایل به حفظ موجودیت رژیم به عنوان «دولت یهود» هستند، ملاحظاتی درباره تل‌آویو داشت، اما راست‌گرایان حاضر در کابینه ترامپ، نگاه مصرفی به رژیم داشته و درصدد استفاده از تل‌آویو در مسیر منافع واشنگتن خواهند بود. ظاهر اقدامات آن‌ها باعث خواهد شد عده‌ای فکر کنند دولت جدید ترامپ طرفداری بیشتری از رژیم دارد، اما این کابینه در عمل می‌خواهد تل‌آویو را برای منافع واشنگتن در برابر ضربات جدی قرار دهد.

۱۴ دیگری با بروکراسی

باتوجه به عدم آشنایی این افراد با فضای بروکراسی، احتمال دارد برخی از آن‌ها توسط نهادهای بروکراتیک فریب خورده و توسط آن‌ها مدیریت شوند. اگر بروکرات‌ها به هرشکل موفق به اداره‌وزری‌بای تجربه نشوند، احتمالاً دیگری سختی را با آن‌ها تجربه می‌کنند.

۱۵ نفس‌های راحت روسیه ادامه دارد

با انتخاب ترامپ، روسیه نفس راحتی کشید. ترامپ و تیمش از یک سنت قدیمی حزب جمهوری خواه پیروی می‌کنند که معتقدند نباید هم‌زمان به مصاف چینی‌ها و روس‌ها رفت. آن‌ها امروزه چین را خطر بزرگ‌تری می‌دانند و خواهان فضایی کم‌ تنش با مسکو هستند. با انتصاب تولسی گبازد به عنوان اداره‌کننده اطلاعات ملی، روس‌ها وضعیت بهتری خواهند یافت. به نظر می‌رسد روس‌هاسی دولت بایدن با چین‌هراسی درحال جایگزینی است.

۱۶ جایه جایی سیاستمداران بین دو حزب

در کابینه ترامپ دو دموکرات سابق دیده می‌شود؛ رابرت جونپور که برای انتخابات اخیر نامزد رقابت‌های مقدماتی حزب جمهوری خواه بود و تولسی گبازد که تا سال ۲۰۲۲ در حزب دموکرات عضویت داشت. در برابر این بریدگان از حزب دموکرات، بخشی از نیروهای قدیمی حزب جمهوری خواه نیز از دموکرات‌ها حمایت کردند. به نظر می‌رسد حزب دموکرات درحال تبدیل به یک حزب سنتی است در برابر حزب جمهوری خواه که خود را جوان و تحول‌خواه نمایش داده است. این موضوع تا چندنی پیش معکوس بود.

۱۷ شتخ با همه قدیمی‌ها؛ ادامه با کسی از آن‌ها

روابط ترامپ با طیف متفاوتی از افراد دولت قبلس متشنج است. او در میان وزرای خارجه در دولت اول خود با رکس تیلرسون به اختلاف خورد و امروز نیز روابط سردی با پمپئو دارد. او در همان دوره با جیمز متیس، وزیر دفاع اول خود به مشکل خورد و مارک اسپر را نیز با دلخوری اخراج کرد تا روزهای آخر ریاست جمهوری‌اش، وزارت دفاع با سرپرست اداره شود. ترامپ با دو مشاور امنیت ملی خود و همچنین رؤسای سازمان سیا در زمان حکومتش روابط ندارد، جز اوبرایان که همچنان در مدار مشاورانش باقی مانده است.

۱۸ اتوبوسی که از فلوریدا هم ولایتی می‌آورد

تیم ترامپ پر از فلوریدیایی‌هاست. او که خود متولد نیویورک است، از همان دوره ریاست جمهوری تقریباً عمارت‌ها مازنه لاگو در فلوریدا را به محل اقامت اصلی خود تبدیل کرده و امروزه خود را یک فلوریدیایی می‌داند. در جریان کارزار انتخاباتی ترامپ نیز این عمارت مرکز اصلی دیدار‌ها بود و با مشخص شدن نتایج انتخابات، همچنان این مسئله وجود دارد. در دولت ترامپ، دستکم سه فلوریدیایی به چشم می‌خورند که هر سه مقام برای جایگاه‌های مهمی دنظر گرفته شده‌اند. مارک روییو برای وزارت خارجه، تیم ولترز برای مشاور امنیت ملی و مت گیتس برای وزارت خارجه، سه هم‌ولایتی ترامپ در کابینه‌اش خواهند بود. عمیق شدن نفوذ ترامپ و جمهوری‌خواهان در فلوریدا، باعث می‌شود آن‌ها بتوانند هم‌زمان با مبارزه‌شان علیه مهاجرت که لاتین‌تباران را هدف می‌گیرد، نبض جامعه لاتین‌تباران آمریکا را در اختیار بگیرند.

۱۹ جذب اقلیت‌ها؛ این قسمت کاتولیک‌ها و ایرلندی تباران
انتخاب یکی از اعضای خانواده مشهور کندی به عنوان عضوی از کابینه را باید بیش از هرچیز در کاتولیک و ایرلندی‌تبار بودن این خانواده دانست. «جان اف کندی» سی‌وپنجمین رئیس‌جمهور آمریکا، مشهورترین فرد این خاندان و اولین رئیس‌جمهور کاتولیک‌تبار آمریکا بود که در میانه دوره‌اش، ترور شد. «جو بایدن» چهل‌وششمین رئیس‌جمهور آمریکا، دومین کاتولیک‌است که این مقام را در اختیار گرفت. با این وجود، او نیز تنها یک دوره اجازه یافت ریاست کند که عوامل متعددی داشت. کاتولیک‌های ایرلندی، جمعیت انبوهی در آمریکا دارند. جمعیت آن‌ها ۴۰ میلیون نفر یا ۱۲ درصد جمعیت این کشور تخمین زده می‌شود. ایرلندی‌ها تقریباً به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ ایرلندی‌های پروتستان و ایرلندی‌های کاتولیک. ایرلندی‌های پروتستان، کسانی‌اند که باعنوان اسکاتلندی-ایرلندی شناخته می‌شوند. اجداد این افراد ابتدا در دوره تسلط انگلیسی‌ها بر جزیره ایرلند از اسکاتلند به این منطقه مهاجرت کرده و سپس از آنجا به آمریکا آمده‌اند. بخش کاتولیک ایرلندی تباران، به دلیل تفاوت‌هایی که با آنگلوکاسکسون‌های پروتستان دارند، جریان‌ی جداگانه به حساب می‌آیند؛ هرچند کاتولیک‌های آمریکایی با کاتولیک‌های دیگر مناطق تفاوت‌هایی دارند. این گروه همانند دیگر اقلیت‌ها بیشتر در قالب حزب دموکرات فعالیت می‌کنند. ترامپ و حزب جمهوری‌خواه تلاش دارند، این جمعیت‌های انبوه را به سمت خود بکشند. ترامپ با اعضای کابینه خود درحال اجرای سیاست قبلی خود است که از انتخابات ۲۰۱۶ در پیش گرفت. درحالی‌که حزب دموکرات و جمهوری‌خواه سفیدپوستان را تقسیم کرده‌اند، حزب دموکرات با جمع‌آوری اقلیت‌ها موفق شد از جمهوری‌خواهان در آرای ملی پیشی بگیرد. در ۹ انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری، جمهوری‌خواهان تنها در ۲ انتخابات آرای ملی بیشتری نسبت به دموکرات‌ها داشته‌اند که یک مورد آن مربوط به ترامپ و انتخابات اخیر است. جمهوری‌خواهان با ترامپ چند مسیر را پیموده‌اند، ازجمله حمله به پایگاه‌های رأی حزب دموکرات. آن‌ها در سال ۲۰۱۶ آرای کارگران سفیدپوست را که به دموکرات‌ها تعلق داشت، مصادره کردند. ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ نیز موفق شد میزان آرای خود در میان لاتین‌تباران را از ۲۵ درصد سال ۲۰۱۶، به ۴۵ درصد افزایش دهد. به نظر می‌رسد پس از یورش موفقیت‌آمیز ترامپ به آرای سفیدپوستان پایین‌دست و لاتین‌تباران و موفقیت‌های نسبی در دیگر اقصاار، او حالا قرار است پایگاه دموکرات‌ها در میان کاتولیک‌ها و ایرلندی‌تباران را نیز هدف بگیرد.

۲۰ برتری حوزه اجتماعی بر سیاست و اقتصاد

سازوکار حکومتی و ارکان دولتی تحت تأثیر فعالان اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. آشکار است که برخی از فعالان در حوزه‌های متعددی دست دارند اما اصل‌التشاشن بر یک حوزه متمرکز است. معدود کسانی نیز که در دو حوزه دستی دارند، نقطه‌تعلق آن‌ها متمرکز بر یک حوزه است. به عنوان مثال، ترامپ مدت‌ها بر حوزه اقتصادی به عنوان یک صاحب کسب‌وکار تمرکز داشت و با تأمین مالی انتخابات‌ها، در سیاست نیز حضور می‌یافت اما اوج‌گیری‌اش زمانی تسهیل شد که وارد فعالیت‌های اجتماعی شد. بخشی از رشد وی از طریق شبکه‌های مجازی ممکن شد. ماسک نیز که یک فعال اقتصادی است و در سیاست نیز دستی دارد، با خرید توییتر سابق رشد بیشتری یافت و امروز فعالیت‌هایش در حوزه اجتماعی نمود بیشتری بر دیگر فعالیت‌هایش دارد. در دولت بایدن، وزرا و فعالان دولت او طبقه سیاسی بودند، همانگونه که در دولت او‌اباما نیز اینگونه بود. هرچند حزب دموکرات به دلیل دیدگاه‌های اجتماعی‌تر، فعالان اجتماعی نیز داشت اما کسانی که به وزارت و مسئولیت رسیدند، کسانی بودند که از طبقه سیاسی آمده بودند. با این حال در دولت جدید ترامپ، کابینه‌نشان می‌دهد کسانی که در اجتماع شهرت بیشتری دارند، درحال قرار گرفتن در رأس این مسئولیت‌هایند.

آنچه این انتخاب‌ها را تعجیب‌برانگیز ساخته، چالش‌زای بودن آن‌هاست، زیرا قرار گرفتن در رأس برخی از این ساختار‌ها مانند وزارت دفاع، باید کسی باشد که سوار بر سازوکار‌های سازمانی است. ترامپ قصد دارد یک نیروی نظامی فاقد سابقه فرماندهی که در ورود به سیاست نیز ناکام مانده و مجری شبکه فاکس نیز شده را بر کرسی وزارت دفاع بنشانند. آشکار است که در این گزارش منظور از فعال اجتماعی، کمک‌رسانی به فقرا و مددکاری اجتماعی نیست بلکه به حوزه شهرت مربوط است. برتری فعالان اجتماعی بر فعالان سیاسی و حتی اقتصادی، دللی‌ی ندارد جز بی‌حیثیتی این طبقات. بسیاری از سیاستمداران و ثروتمندان منفعت‌طلب شناخته می‌شوند. اینکه وزارت دفاع آمریکا باید توسط یک فعال نظامی که اوج خدمتش کماندویی ارتش بوده اداره شود، حکایت از ناتوانی سیستم سیاسی نظامی و طرد شدن آن از جامعه است. این فشار جامعه بوده که انتخاب شخصی همانند نامزد جدید را برای وزارت دفاع موجب شده است.

